

بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در بازار

کار: مطالعه موردی کشور سوریه

ناریمان ازغیر*، ویدا وهرامی**

تاریخ پذیرش
۱۴۰۱/۰۲/۰۷

تاریخ دریافت
۱۴۰۰/۱۰/۱۸

چکیده:

از آنجا که زنان زیربنای توسعه اقتصادی هر جامعه را رقم می‌زنند، امروزه نگاه جهان بیشتر به سوی نقش آنان در فعالیتهای اقتصادی معطوف شده است. لذا اگر به زنان به عنوان نیروی فعال و سازنده نگریسته شود، اثرگذاری بسیاری در روند توسعه و افزایش سرمایه انسانی آن جامعه از لحاظ کیفی و کمی خواهند داشت. نرخ مشارکت زنان در سوریه مانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه پایین تر از کشورهای صنعتی و حتی کمتر از برخی کشورهای توسعه نیافته است. در این پژوهش، به بررسی تأثیر متغیرهای تحصیلات، نرخ باروری، نرخ ثبت نام در مدرسه و نرخ مهاجرت بر نرخ مشارکت زنان در اقتصاد سوریه طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۰ با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه توزیعی پرداخته شده است. نتایج برآوردها حاکی از آن است که متغیرهای تحصیلات و نرخ مهاجرت (با توجه به این که مردان بیشترین درصد مهاجران را تشکیل می‌دهند)، تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان داشته و متغیرهای نرخ باروری و نرخ ثبت نام در مدرسه، تأثیر منفی بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سوریه دارند.

کلید واژه‌ها: اشتغال، نرخ مشارکت زنان، نیروی کار، خودرگرسیون با وقفه توزیعی.

طبقه بندی JEL: J82, J21, J01, E24

* دانشجوی دکتری گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،
naremanezghyir@sbu.ac.ir

** دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،
v_varahrami@sbu.ac.ir

۱. مقدمه

بازار کار به عنوان یکی از مهمترین بازارهای اقتصاد در هر کشور به شمار می‌رود که به دلیل رابطه مستقیم با نیروی کار و ویژگی‌های خاص آن، اهمیت بسزایی دارد. موضوع اشتغال و اهمیت توجه به منابع انسانی از بنیادی‌ترین مولفه‌های مطرح شده در مسیر رشد و توسعه اقتصادی کشورها است. در این میان جنسیت از جمله تأثیرگذارترین عوامل بر اشتغال انگاشته شده است. مطالعات انجام شده توسط صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد چنانچه زنان بتوانند با تمامی ظرفیت خود وارد بازار کار شوند، جایگاه اقتصاد کلان کشورها به طور قابل توجهی بهبود می‌یابد (صفاکیش و فلاح محسن‌خانی، ۱۳۹۵: ۱۱۹) به عنوان مثال رشد اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای اروپایی بسیار شتاب داشته است. به موجب اطلاعات رسمی، در فاصله سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۶۵ (دوره ترمیم و بازسازی بعد از جنگ)، تولید به طور واضح افزایش یافت. در این دوره، استفاده بهتر و کامل‌تر از نیروی کار بالقوه زنان نقش بسیار مهم و قابل توجه در اشتغال ایفا می‌کرد. لذا لازم است استراتژی‌های یک جامعه توسعه یافته، بر اساس مشارکت هرچه فعال‌تر زنان در بخش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پی‌ریزی گردد (صفایی‌پور و زادولی خواجه، ۱۳۹۵: ۶۴).

افزایش مشارکت زنان منجر به توانمندسازی هر چه بیشتر آن‌ها شده و همچنین به بهبود پایگاه زنان کمک می‌نماید، نظریه اقتصادی نشان می‌دهد یک رابطه متقابل بین توانمندسازی زنان و توسعه اقتصادی کشورها وجود دارد (سویین^۱، ۲۰۰۸). لذا جوامع انسانی برای تحقق اهداف توسعه خود باید از تمامی منابع انسانی به صورت صحیح بهره ببرند. براین اساس، امروزه توجه به افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، به عنوان یک مسأله حیاتی در بازار کار تبدیل شده و رفع موانع، مشکلات و محدودیت‌های مشارکت زنان مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است.

1. Swain

در کشور سوریه مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اشتغال زنان وضعیت مناسبی ندارد، همچنین وضعیت بازار کار در مقایسه با گذشته بدتر شده است. وقوع جنگ علاوه بر کشتار غم‌انگیز انسان‌ها و ویرانی، منجر به رکود عمیق، افزایش تورم، بدتر شدن وضعیت مالی و آسیب به نهادها، ناامنی و نااطمینانی، کاهش همبستگی اجتماعی، کاهش فرصت‌های شغلی و افزایش بیکاری شده است، تمام این مشکلات سبب تضعیف کیفیت نهادها و توانایی آن‌ها برای بر عهده گرفتن اصلاحات اقتصادی شده، که بیش از پیش به آن نیاز داشته‌اند؛ اما نکته حائز اهمیت این است که با وقوع جنگ و افزایش نرخ مهاجرت، نرخ مشارکت زنان در بازار کار افزایش یافته و این افزایش بر اساس یک سیاست‌گذاری اقتصادی منظم نبوده بلکه خود پیامد جنگ محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، جنگ مانند یک شوک خارجی به بازار کار وارد شده و در سایه جنگ، مردان شغل خود را برای شرکت در جنگ یا مهاجرت ترک کرده و یا قربانی آن می‌شوند، در نتیجه زنان به عنوان «نیروی کار جایگزین» و سرپرست خانوار سمت و وظایفی را برعهده می‌گیرند. (کریبام و کلاسن، ۲۰۱۵: صص ۲-۱). لذا با در نظر گرفتن اهمیت افزایش نرخ مشارکت زنان در توسعه اقتصادی و مسائل مزبور در اقتصاد پساجنگ سوریه، این مطالعه با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از طریق مرکز آمار سوریه و بانک جهانی به تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی می‌پردازد.

به طور کلی هدف مطالعه حاضر، شناخت عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تغییر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سوریه و همچنین قدرت تأثیرگذاری این عوامل به منظور ارائه توصیه‌های سیاستی برای افزایش نرخ مشارکت این بخش عظیم از جمعیت در اقتصاد پس از جنگ است. این کار از طریق ارائه الگویی به منظور نشان دادن اثر متغیرهای مؤثر بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار با توجه به شرایط اقتصادی کشور

سوریه و ارزیابی اثرات این متغیرها در کوتاه‌مدت و بلندمدت صورت می‌گیرد. در همه جوامع عوامل مؤثر بر مشارکت و اشتغال زنان تابعی از عامل‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، از جمله: تحصیلات (بریسکو و ویلسون، ۱۹۹۲)، (کونتریز و گونزالو، ۲۰۱۰: ۴۶-۲۷) نرخ باروری (اسپرینگ، ۱۹۹۸)، ریکا و فررو^۱ و گالیانی^۲ (۲۰۰۷)، نرخ ثبت نام در مدرسه (علیقلی، ۱۳۹۵)، وضعیت تأهل (فرجادی، ۱۳۷۶)، درآمد سایر افراد خانواده، سن (لوسیندیلو و همکاران (۲۰۱۰)، جولی و جیدا^۳ (۲۰۲۱) و عوضعلی‌پور و همکاران (۱۳۹۰)). با توجه به محدودیت دسترسی به داده‌های آماری به دلیل وقوع جنگ در کشور سوریه، این مطالعه به مهمترین عوامل مؤثر از جمله تحصیلات، نرخ باروری، مهاجرت و نرخ ثبت نام در مدرسه پرداخته شده‌است. از آن جا که دوره مطالعاتی دوران جنگ را نیز در بر گرفته است، موانع زیادی سد راه بررسی بسیاری از سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی در این مطالعه شده‌است.

در این مطالعه سعی شده است داده‌های آماری مربوط به متغیرهای تحقیق برای بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۰۰ با استفاده از الگوی ARDL مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. در ادامه مقاله، ابتدا مبانی نظری بیان شده و در بخش سوم به پیشینه تحقیق پرداخته شده‌است. بخش بعدی به تخمین و تفسیر نتایج اختصاص دارد. در انتها جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

۲. مبانی نظری و ادبیات موضوع

اقتصاد هر کشور به طور کلی از چهار بازار شامل بازار کار، بازار پول، بازار سرمایه و بازار کالا تشکیل می‌شود. هر یک از این بازارها دارای تأثیر دوطرفه بر یکدیگر هستند. در این میان در بازار کار، انسان عامل کلیدی به شمار رفته. یکی از شاخص‌های مهم بازار

1. Rica and Ferrero
2. Galiani
3. Guli and Geda

کار، نرخ مشارکت است. مشارکت افراد در بازار کار یک تصمیم شخصی با توجه به تابع مطلوبیت فرد و مواجهه فرد با محدودیت‌های مالی و زمانی صورت می‌پذیرد، و میزان آن تحت تأثیر متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی است (امینی، ۱۳۹۴).

یکی از مهمترین ویژگی‌های بازار کار ناهمگونی افراد از منظر جنسیت (زن- مرد) است و این امر باعث به وجود آمدن نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی در زمینه اشتغال زنان شده است. در این میان می‌توان به نظریه‌های نئوکلاسیک، نظریه سرمایه انسانی، نظریه بازار کار دوگانه و نظریه انتخاب منطقی اشاره کرد (عرب‌مازار و همکاران، ۱۳۹۳)، لذا در بسیاری از کشورهای جهان و به ویژه جوامع توسعه یافته نرخ مشارکت اقتصادی زنان یکی از شاخص‌های اصلی و مهم در بررسی وضعیت پیشرفت یا عقب‌ماندگی اقتصادی است. طبق تعاریف بین‌المللی نرخ مشارکت نشان دهنده درصد جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۵ تا ۶۴ سال به جمعیت در سن کار (۱۵ تا ۶۵ سال) است^۱. می‌توان گفت نرخ مشارکت یک شاخص تجمعی است که تحت تأثیر خصوصیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور قرار دارد و یکی از مهمترین شاخص‌های ارزیابی بازار کار و اقتصاد یک کشور به حساب می‌آید (مشیری و همکاران، ۱۳۹۴). مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی هم محرک و هم نتیجه توسعه است. با ورود زنان بیشتر به نیروی کار، اقتصادها می‌توانند در پاسخ به این ورودی سریعتر رشد کنند. در عین حال، با توسعه کشورها، معمولاً قابلیت‌های زنان بهبود می‌یابد، در حالی که محدودیت‌های اجتماعی کمتر می‌شوند و زنان را قادر می‌سازند تا در کارهای خارج از خانه شرکت کنند. به همین دلیل، سیاست‌گذاران باید ماهیت عرضه نیروی کار زنان را درک کرده و بر مشارکت زنان در نیروی کار نظارت کنند (ویریک^۲، ۲۰۱۴).

مطالعات و تحقیقات گسترده در مورد چگونگی افزایش میزان مشارکت زنان در بازار کار در سراسر جهان انجام شده است، با این حال نرخ مشارکت جهانی زنان از سال

1. ILO
2. Verick

۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹، طبق داده‌های بانک جهانی، با کاهش آشکار رو به رو بوده است، نرخ مشارکت جهانی زنان در سال ۲۰۰۰ برابر ۵۰/۹۴ درصد بود و در سال ۲۰۱۰ به ۴۸/۷۷ درصد کاهش یافته و تا سال ۲۰۱۹ این کاهش ادامه داشته و به ۴۷/۲۹ درصد رسیده است (ILO, 2018).

آمار سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که تفاوت‌های زیاد بین نرخ مشارکت زنان و مردان به ثروت کشورها بستگی دارد. به عنوان مثال؛ شکاف در نرخ مشارکت اقتصادی بین مردان و زنان در بازار کار در کشورهای توسعه یافته در حال کاهش است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه همچنان در حال افزایش است. با این حال، این مسأله می‌تواند بازتابی از افزایش تعداد دخترانی باشد که در آموزش رسمی آن کشورها ثبت نام می‌کنند، و در نتیجه سبب تاخیر در ورود آن‌ها به بازار کار می‌شود (ILO, 2018).

در کشور سوریه، در سال ۲۰۰۰ میزان مشارکت زنان در نیروی کار ۱۹ درصد بوده است که رقمی در محدود قابل قبول برای کشورهای خاورمیانه به شمار می‌رود. اما این نرخ، روند کاهشی به خود گرفت تا اینکه در سال ۲۰۱۰ به ۱۵ درصد رسید. با شروع جنگ و به خدمت گرفتن جوانان زیاد در صفوف ارتش و شرکت آن‌ها در نبردهای داخلی و مهاجرت تعداد زیادی از آنان به خارج از کشور، فرصت ورود زنان به بازار کار مهیا شده و میزان مشارکت آنان به صورت چشمگیری در طول سال‌های جنگ روند افزایشی داشته است، لذا نرخ مشارکت زنان سوری در سال ۲۰۱۹ به ۳۷ درصد رسید. از این رو، این مطالعه نشان می‌دهد که چه عواملی می‌تواند بر میزان مشارکت زنان در بازار کار و چگونگی توانمندسازی اقتصادی زنان در سوریه تأثیرگذار باشد و تلاش می‌کند راهکارهای مناسبی برای افزایش جذب زنان به بازار کار و عدم کاهش مجدد نرخ مشارکت آنان پس از پایان جنگ ارائه دهد.

شایان ذکر است که بر اساس داده‌های مرکز آمار سوریه، سهم زنان شاغل در بخش‌های اقتصادی به صورت زیر است:

جدول (۱). سهم زنان شاغل در بخش‌های اقتصادی سوریه (به درصد)

سال	بخش کشاورزی	بخش صنعت	بخش خدمات	سهم زنان شاغل در کل اقتصاد
۲۰۰۰	۵۳/۳	۷/۴	۳۵/۵	۱۸/۵
۲۰۱۰	۲۲/۲	۸/۷	۶۹/۱	۱۴/۸
۲۰۱۹	۱۲/۱	۴/۹	۸۳	۲۵/۷

منبع: مرکز آمار سوریه

داده‌های آماری در جدول (۱) نشان می‌دهد که فعالیت زنان در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در کشور سوریه طی این سال‌ها یکنواخت نبوده و از نوسانات زیادی برخوردار است. بخش خدمات طی دوره مطالعه همچنان به جذب کارگران زن ادامه می‌دهد، در حالی که کاهش محسوس سهم زنان در بخش کشاورزی قابل توجه است. این امر در سال‌های جنگ می‌تواند به جهت عدم دسترسی به زمین‌های کشاورزی به دلیل شرایط امنیتی و کمبود سوخت، علوفه و مواد اولیه (که باعث افزایش هزینه‌های تولید می‌شوند)، باشد. همچنین در بلندمدت اثر تغییرات آب و هوایی در کاهش مناطق زراعی غیرقابل انکار است. براساس داده‌های سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) خسارات بخش کشاورزی در سوریه در طول سال‌های جنگ بیش از ۱۶ میلیارد دلار برآورد شده است (فائو، ۲۰۱۷)!

با وجود روند نزولی اشتغال زنان در بخش صنعت، این کاهش، به میزان کمتری نسبت به بخش کشاورزی بوده است، که می‌توان این روند نزولی را ناشی از شرایط جنگ و نوع قرارداد زنان (اولین گروهی که بیکار می‌شوند) در بخش صنعت دانست. لازم به ذکر است که، به طور کلی پایین بودن سهم بخش صنعت از اشتغال در طی دوره مطالعه ناشی از کاهش نرخ واقعی سرمایه‌گذاری در سوریه است (أسد، ۲۰۱۹).

با بررسی اشتغال زنان در اقتصاد سوریه می‌توان دریافت که تفاوت شاخص‌های مربوط به فعالیت‌های اقتصادی میان زنان و مردان همواره قابل ملاحظه بوده است. بدین

ترتیب بازار کار نتوانسته از نیروی کار بالقوه زنان در این کشور به صورت کارآمد استفاده کند. همچنین داده‌های آماری نشان می‌دهد که سهم زنان شاغل در کل اقتصاد بعد از جنگ به طور چشمگیر افزایش یافته، که این امر به دلیل وقوع جنگ، افزایش مهاجرت و بالا رفتن نرخ مرگ و میر میان مردان به وجود آمده است.

۳. پیشینه تحقیق

کفائی و افشاری (۱۳۹۶) به بررسی عوامل تعیین کننده مشارکت زنان در نیروی کار در ۱۲۰ کشور جهان با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای دوره‌ی زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. متغیرهای توضیحی الگو عبارت‌اند از: نرخ باروری، سال‌های تحصیل زنان، تفاوت متوسط سال‌های تحصیل زنان و مردان، سرمایه سرانه، رانت نفتی، درصد جمعیت ساکن در مناطق شهری، متغیرهای مجازی در برگیرنده سطح درآمد و نوع مذهب غالب کشور. در تمامی برآوردهای انجام شده رابطه مثبت و معناداری بین نرخ باروری و نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای کم درآمد وجود دارد. به علاوه نتایج حاکی از آن است که نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای مسلمان به طور معنادار کمتر از سایر کشورها است. سایر ضرایب برآورد شده متغیرهای اقتصادی رگرسیون، از لحاظ آماری معنادار نیست.

صفایی‌پور و زادولی خواجه (۱۳۹۵)، به تجزیه و تحلیل موانع مشارکت اقتصادی زنان در ایران؛ نمونه موردی: کلان‌شهر تبریز پرداخته‌اند. به این منظور از روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و پیمایشی استفاده کرده و جامعه آماری شامل جمعیت زنان فعال اقتصادی در کلان‌شهر تبریز بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ (۴۳۷۱۸۴ نفر) بوده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین موانع برای مشارکت اقتصادی زنان، شاخص‌های فرهنگی جامعه است. همچنین، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در بین متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق،

مهم‌ترین موانع مشارکت اقتصادی زنان، تبعیض و تفاوت در فرآیند اجتماعی شدن زن و مرد در جامعه، طرز تلقی و نگرش جامعه به وظایف زنان، صاحب سرمایه نبودن زنان و عدم وجود نهادهای سیاسی مشارکتی بوده است.

علیقی (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه نیروی کار زنان و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی با استفاده از روش داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۱۳ پرداخته. نتایج حاصل شده بیانگر این است که متغیرهای تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری و نرخ باروری تأثیر منفی و متغیرهای مربع تولید ناخالص داخلی، نرخ شهرنشینی، نرخ ثبت نام ناخالص زنان در مدارس ابتدایی، نرخ ثبت نام خالص زنان در مدارس متوسطه و نرخ ثبت نام ناخالص زنان در مدارس عالی بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای اسلامی تأثیر مثبت دارند.

مشیری و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت نیروی کار در بازار کار ایران با استفاده از الگوی لوجیت و داده‌های بودجه خانوار سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶، به صورت مقطعی و ترکیبی برای مردان و زنان پرداخته‌اند. نتایج برآورد نشان می‌دهد که نرخ مشارکت در گروه‌های سنی میانی بیشتر است، افراد متأهل بیشتر از افراد مجرد در بازار کار مشارکت دارند، با افزایش مدرک تحصیلی احتمال مشارکت به ویژه در زنان افزایش می‌یابد و درآمد سایر اعضای خانواده احتمال مشارکت در بازار کار را کاهش می‌دهد.

عرب‌مازار و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به تحلیل عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران با استفاده از الگوی لوجیت و داده‌های هزینه - درآمد خانوار (۱۳۹۰) مرکز آمار ایران پرداخته‌اند. نتایج برآورد برای زنان ساکن شهر و روستا در کشور نشان می‌دهد که عواملی مانند تعداد افراد شاغل در خانوار، وضعیت تاهل، محل اقامت و سرپرست بودن زنان تأثیر مثبت و معنی داری بر اشتغال آن‌ها دارد. سن نیز به عنوان یکی از عوامل مهم دارای اثری مثبت اما غیر خطی بر اشتغال است، در حالی که

تحصیلات بالاتر از متوسطه اثر منفی بر اشتغال زنان داشته است.

هوانگ^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه خود با عنوان «چرا زنان ایالات متحده علیرغم افزایش حقوق خود، از مشارکت نیروی کار می‌کاهند؟» علت کاهش مشارکت زنان ایالات متحده در نیروی کار را بررسی می‌کند. براساس این مطالعه مشارکت زنان از ۶۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۵۷ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یافته، در حالی که مشارکت زنان در کشورهای OECD^۲ در همین دوره زمانی افزایش داشته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افت چهار درصدی مشارکت زنان در نیروی کار مربوط به پیروی جمعیت زنان بوده است.

رامی^۳ (۲۰۱۸) در تحقیقی به تجزیه و تحلیل روندها و عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان کارگر در هند پرداخته است. چنین بیان می‌کند که افزایش نرخ اشتغال زنان در نیروی کار دارای پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بوده. در هند به طور میانگین نرخ اشتغال زنان ۲۷ درصد کمتر از نرخ اشتغال مردان است. این تحقیق با استفاده از روش تحلیل رگرسیون به مطالعه نرخ اشتغال زنان در دوره زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶ پرداخته و در جمع‌آوری داده‌ها، از شاخص‌های توسعه جهانی در بانک جهانی استفاده نموده است. مطالعات تحقیق نشان داده که میزان مشارکت نیروی کار زنان بالای ۱۵ سال در هند، همبستگی خطی منفی و شدیدی با تولید ناخالص داخلی، سرانه تولید ناخالص داخلی، ثبت نام در مدرسه، تحصیلات عالی، نرخ سوادآموزی زنان در کشور هند دارد.

عبد المنعم و قلعول (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، نهادی و جمعیتی تعیین کننده مشارکت زنان در نیروی کار برای ۱۹ کشور عربی طی سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۶ پرداخته‌اند. متغیرهای این مطالعه عبارت‌اند از: رشد اقتصادی، نرخ تحصیلات، نرخ بیکاری، نرخ باروری و سن ازدواج. نتایج تحقیق بیانگر این است که:

-
1. Huang
 2. Organization for Economic Co-operation and Development
 3. Rami

۱- اهمیت نرخ تحصیلات دانشگاهی (اثر مستقیم بر مشارکت زنان) و نرخ باروری (اثر معکوس بر مشارکت زنان). ۲- قبول فرضیه U در کشورهای عربی به این معنا است که تفاوت در سطح مشارکت زنان در بازار کار به تفاوت در سطح رشد اقتصادی هر کشور بستگی دارد و این به معنای افزایش مشارکت زنان با افزایش درآمدها است، ۳- عوامل اقتصادی به بهترین وجه قادر به توضیح نرخ مشارکت زنان در اشتغال هستند. ۴- ۵۱٪ از نرخ مشارکت زنان در کشورهای عربی به عوامل اقتصادی، ۲۱ درصد به عوامل اجتماعی و ۲۸ درصد به عوامل دموگرافیک مربوط می‌شود.

کلاسن و همکاران^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به تجزیه و تحلیل محرک اصلی مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را پرداخته‌اند. برای بررسی موضوع، شواهدی از اقتصاد هشت کشور در حال توسعه و توسعه یافته از جمله: بولیوی، برزیل، هند، اندونزی، اردن، آفریقای جنوبی، تانزانیا و ویتنام استفاده شده‌است. جمعیت در این پژوهش شامل زنان متأهل در سن ۲۵-۵۴ است، و مجموعه داده‌ها متشکل از ۸۰۰ هزار زن بوده است. متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از: سن، تحصیلات، قومیت و مذهب، شرایط خانوادگی، درآمد خانوار، تحصیلات سرپرست خانوار و تعداد فرزندان. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ضرایب ویژگی‌های زنان به طور قابل توجهی در کشورها متفاوت هستند و این موضوع بیشتر، تفاوت بین کشورها در نرخ مشارکت را توضیح می‌دهد. در این کشورها رابطه مشارکت زنان و تحصیلات متفاوت است. به طوری که در برزیل و آفریقای جنوبی این رابطه مثبت و خطی، اما در هند، اردن و اندونزی شکل U دارد، در حالی که در بولیوی، ویتنام و تانزانیا تلفیقی از هر دو حالت است. همچنین تعداد کودکان در سن (۴-۰ سال) با مشارکت زنان در نیروی کار در همه کشورها ارتباط منفی داشته. علاوه بر این، افزایش سطح تحصیلات و کاهش باروری به طور مداوم میزان مشارکت را افزایش داده است. در

کشورهای نسبتاً فقیرتر افزایش درآمد خانوارها اثر منفی بر مشارکت زنان در نیروی کار دارد.

آندرس^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی به تجزیه و تحلیل الگوهای ارزیابی مجدد مشارکت ناکافی نیروی کار زنان در هند پرداخته‌اند و دریافته‌اند که میزان ثبات در درآمد خانواده، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان است. نتایج مطالعه نشان داد که با افزایش سهم دستمزد منظم و کاهش کارها و مشاغل گاه به گاه در ترکیب عرضه نیروی کار خانواده، تمایل زنان خانواده به مشارکت اقتصادی و اشتغال در خارج از منزل کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج بیانگر این است که در کشور هند، آموزش، مهارت و مقررات قانونی لازم برای افزایش مشارکت اقتصادی نیروی کار زنان کافی نیست.

کریبام و کلاس (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل تعیین کننده ورود زنان به بازار کار ویتنام پس از جنگ با استفاده از الگوی پروبیت پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه حاکی از این است که در کشور ویتنام عواملی مانند مفقود شدن مردان بر اثر جنگ اثر مثبت و معنادار بر مشارکت زنان در بازار کار دارد.

در مطالعات پیشین اثر متغیرهای متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر نرخ مشارکت زنان بررسی شده است. علیرغم اینکه پژوهش‌های زیادی در مورد مشارکت اقتصادی زنان و عوامل مؤثر بر آن انجام شده، اما مطالعه‌ای در زمینه‌ی مهمترین متغیرهایی که نقش بسزایی در افزایش یا کاهش مشارکت اقتصادی زنان در کشوری که از جنگ و تبعات آن رنج می‌برد، مخصوصاً در منطقه خاورمیانه صورت نگرفته است. جنگ داخلی در کشور سوریه تأثیرات زیادی بر اقتصاد آن به طور کلی و بر بازار کار به طور خاص گذاشته است، چنان‌که در طی سال‌های جنگ نرخ بالای مرگ و میر در میان مردان و افزایش شدید نرخ مهاجرت آنان، نقش مهمی در افزایش مشارکت زنان

1. Andres

در بازار کار ایفا کرده است. لذا این مطالعه، با توجه به تغییری که در ساختار جامعه سوریه رخ داده، به بررسی مهمترین متغیرهای اثرگذار بر مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی، پرداخته است.

همچنین در این پژوهش، علاوه بر متغیرهای به کار رفته در مطالعات قبلی از متغیر مهاجرت در کنار متغیرهای دیگر استفاده شده است، بنابراین دوره زمانی مورد مطالعه شامل دوره جنگ و تبعات آن بر اقتصاد سوریه بوده و نیاز مبرم به بررسی مشکلات نیروی کار زنان برای مرحله بازسازی کشور وجود دارد.

۴. معرفی الگو و متغیرهای تحقیق

یکی از الگوهای پویا برای نشان دادن رابطه ایستا بلندمدت بین متغیر وابسته و سایر متغیرهای توضیحی، روش خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) است. این الگو زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هیچ شکست ساختاری در داده‌ها وجود نداشته باشد. یکی از مزیت‌های این روش این است که رهیافت ARDL بدون در نظر گرفتن این که آیا متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ هستند می‌تواند برآورد را انجام دهد (پسران و شین^۱، ۱۹۹۵: ۴). دلیل دیگر این است که در نمونه‌های کوچک یا محدود در مقایسه با روش‌های دیگر مانند انگل-گرانجر^۲ آبیشتتر قابل استفاده است.

الگوی مورد استفاده در این مطالعه به منظور نشان دادن اثر متغیرهای تحقیق بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار کشور سوریه در چارچوب ادبیات موضوعی و نظری و با توجه به مطالعات یاکوبو (۲۰۱۰)، کریبام و کلاسن (۲۰۱۵)، رامی (۲۰۱۸) و عبد المنعم و قلعلول (۲۰۱۸) که در پیشینه تحقیق ذکر شده. به صورت زیر در نظر گرفته شده است^۳:

1. Pesaran and Shine

2. Engel-Granger

۳. بدلیل منفی بودن نرخ مهاجرت در برخی سال‌ها، امکان وارد کردن داده‌های آماری به صورت لگاریتم در الگو

$$LFE_t = \alpha_0 + \alpha_1 Ed_t + \alpha_2 Fer_t + \alpha_3 Im_t + \alpha_4 Prim_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در آن LFE نشانگر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار است. این نرخ براساس تعاریف سازمان بین المللی کار از طریق نسبت جمعیت فعال زنان (شاغل و بیکار) به کل جمعیت در سن کار به دست می‌آید.

Ed؛ بیانگر متغیر تحصیلات است. از آنجا که سطح سواد و تحصیلات زنان در جوامع نقش زیادی بر فعالیت آنان دارد (به طوری که سطح سواد در زنان به منزله‌ی یکی از عوامل مؤثر در مشارکت آنان شناخته می‌شود) (اسدزاده و همکاران، ۱۳۹۶)، در این مطالعه از فارغ التحصیلان دانشگاهی زن نسبت به کل جمعیت زنان در کشور سوریه به عنوان متغیر تحصیلات استفاده شده است.

Fert؛ نشان دهنده نرخ باروری است، هرچند مسأله نرخ باروری معمولاً در حوزه جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی بررسی می‌شود؛ اما اشتغال زنان و عوامل مؤثر بر آن با نظریه اقتصادی عجین است. زیرا ریشه این مسأله در الگوی تخصیص زمان میان اشخاص است. افزودن یک بعد دیگر (کار در خارج از منزل) به مجموعه فعالیت‌های زنان، سبب تقسیم کل زمان موجود به زمینه‌های بیشتری شده و زنان باید در مورد اختصاص دادن زمان و منابع بین آنها تصمیم گیرند. به طور کلی نرخ باروری میانگین تعداد فرزندان است که یک زن در طول زندگی‌اش به دنیا می‌آورد.^۱ داده‌های آماری این متغیر از آمارهای بانک جهانی جمع آوری شده است.^۲

Prim؛ نشانگر نرخ ثبت نام در مدرسه است. این نرخ از نسبت دانش آموزانی که در پایه اول نظام آموزشی ثبت نام کرده‌اند به کل دانش آموزان واجب‌التعلیم، به دست می‌آید.^۳ اغلب نظریه پردازان نظریه توسعه انسانی بر این عقیده‌اند که آموزش، گام

وجود نداشت.

1. OECD
2. World Bank
3. UNESCO

نخست در برنامه‌ریزی توسعه نیروی انسانی است. پایه و اساس توسعه اقتصادی و اجتماعی هر کشوری را نیروی انسانی ماهر و متخصص تشکیل می‌دهد. بنابراین یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی، آموزش و پرورش است. تکامل این بخش باعث تکامل در سایر بخش‌ها می‌شود. (آل عمران، ۱۳۹۲). از طرف دیگر افزایش تعداد زنان در مؤسسات آموزشی منجر به تأخیر حضور آن‌ها در بازار کار می‌شود (علاءالدینی و رضوی ۱۳۸۳، صص ۲۰۱). داده‌های آماری این متغیر از طریق مرکز آمار سوریه تهیه شده است.

Im؛ بیانگر نرخ خالص مهاجرت است و از تعداد مهاجران وارد شده به یک کشور منهای تعداد مهاجران خارج شده از آن کشور اعم از شهروندان و غیرشهروندان^۱، محاسبه می‌شود (بانک جهانی). مهاجرت ماهیتاً فرایندی جنسیتی است، زیرا می‌تواند در ساختار جمعیتی مبدأ تغییر ایجاد کند. بازار کار بیش از هر بازار دیگری از تحولات جمعیتی در ابعاد جهانی تأثیر می‌پذیرد (نوغانی و قاسمی: صص ۴۱۳). بنابراین مهاجرت و جابجایی نیروی کار نقش مهمی در توزیع مجدد سرمایه انسانی در بین مناطق بازی می‌کند. دلیل بررسی این متغیر در مطالعه، وقوع جنگ و افزایش خروج مهاجران (به خصوص مردان) از کشور سوریه طی سال‌های جنگ است. مهاجرت بین‌المللی نیروی کار دارای اثرات مختلف، هم برای کشور مهاجرفرست و هم، کشور مهاجرپذیر است. کاهش بیکاری از یک سو و درآمد پولی که مهاجران به کشور خود می‌فرستند، مهمترین مزیت‌های مهاجرت برای کشورهای مهاجرفرست هستند (ادلمن و تیلور^۲، ۱۹۹۰). داده‌های آماری این متغیر از آمارهای بانک جهانی گردآوری شده است.

مطالعاتی که اقتصاددانان تاکنون پیرامون عوامل تعیین کننده نرخ مشارکت زنان

۱. اگر تعداد مهاجران وارد شده بیش از مهاجران خارج شده باشد نرخ خالص مهاجرت مثبت و منطقه مهاجرپذیر و چنانچه تعداد مهاجران خارج شده بیش از مهاجران وارد شده باشد این نرخ منفی خواهد بود و منطقه مهاجرفرست است. لازم به ذکر است که در کشور سوریه طی سال‌های جنگ به دلیل افزایش تعداد مهاجران خارج از کشور در مقابل افرادی که وارد کشور شدند، این نرخ منفی شده است.

2. Adelman and Taylor

انجام داده‌اند حاکی از تنوع الگوها و کثرت متغیرها در این زمینه است، اما به دلیل وقوع جنگ در کشور سوریه و فقدان منابع آماری کافی، سعی شده متغیرهایی که داده‌های آماری پراکنده داشتند در مطالعه در نظر گرفته نشوند، لذا اثرات متغیرهای تحصیلات، نرخ باروری، نرخ ثبت نام در مدرسه و نرخ مهاجرت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و سایر متغیرهای دیگر از جمله مخارج توسعه‌ای دولت و نرخ بیکاری از الگو حذف شده‌اند. لازم به ذکر است که داده‌های این مطالعه از طریق مرکز آمار سوریه و بانک جهانی گردآوری شده است.

در مطالعه‌ی حاضر پس از تصریح تابع عرضه نیروی کار زنان (جهت بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زنان سوریه در نیروی کار)، و پس از بررسی پایایی متغیرهای الگو برای سال‌های (۲۰۰۰-۲۰۱۹)، الگو به روش خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) تصریح و برآورد می‌شود.

۵. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۵-۱. بررسی پایایی متغیرها

یکی از الزامات مهم در برآورد معادلات اقتصادی با داده‌های سری زمانی و تخمین الگو با روش حداقل مربعات معمولی، انجام آزمون پایایی است. به منظور پایایی یا ناپایایی سری‌های زمانی روش‌های متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها آزمون ریشه واحد دیکی- فولر و دیکی- فولر تعمیم‌یافته^۱ است. بنابراین ابتدا پایایی متغیرهای الگوی پیشنهادی بر اساس آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود رگرسیون کاذب است یا خیر. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر داشتن ریشه واحد متغیرهای سری زمانی در جداول (۲) ارائه شده است.

1. Augmented Dicky Fuller

جدول (۲). نتایج بررسی پایایی متغیرها

نام متغیر	نرخ مشارکت زنان	تحصیلات	نرخ باروری	نرخ ثبت نام در مدرسه	نرخ مهاجرت
نام اصطلاحی متغیر	LFE	Ed	Fer	Prim	Im
وضعیت	I(1)	I(1)	I(0)	I(1)	I(0)
آماره	-۵/۵۳۸	-۳/۲۸۶	-۶/۶۶۳	-۴/۵۳۵	-۷/۰۱۰
احتمال	۰/۰۰۱	۰/۰۳۱۲	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج بررسی پایایی متغیرها نشان می‌دهد که متغیرهای نرخ مشارکت زنان، تحصیلات و نرخ ثبت نام در مدرسه با یک بار تفاضل‌گیری پایا شدند، در حالی که متغیر نرخ باروری و نرخ مهاجرت در سطح پایا هستند. بنابراین از عدم کاذب بودن رگرسیون اطمینان حاصل شد. در ادامه با استفاده از آزمون همجمعی یوهانسن وجود رابطه بلندمدت در الگوی بررسی شده، که رابطه بلندمدت بین متغیرهای وابسته و توضیحی مورد آزمون قرار گرفته و وجود رابطه بلندمدت به اثبات رسیده است، که نتایج آن به شرح جدول (۳) است:

جدول (۳). نتایج آزمون هم جمعی

فرضیه صفر	مقدار ویژه	آزمون اثر		آماره حداکثر مقادیر ویژه	
		آماره اثر	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪	آماره حداکثر مقادیر ویژه	مقدار بحرانی در سطح ۹۵٪
$r=0$	۰/۹۳۵	۹۸/۶۹۸	۶۹/۸۱۸	۴۹/۱۶۶	۳۳/۸۷۶
$r\leq 1$	۰/۶۸۸	۴۹/۵۳۲	۴۷/۸۵۶	۲۰/۹۹۷	۲۷/۵۸۴
$r\leq 2$	۰/۶۱۰	*۲۸/۵۳۴	۲۹/۷۹۷	۱۶/۹۵۲	۲۱/۱۳۱
$r\leq 3$	۰/۴۰۲	۱۱/۵۸۱	۱۵/۴۹۴	۹/۲۴۷	۱۴/۲۶۴
$r\leq 4$	۰/۱۲۲	۲/۳۳۴	۳/۸۴۱	۲/۳۳۴	۳/۸۴۱

منبع: یافته‌های پژوهش، * رد فرضیه H_0

با توجه به نتایج به دست آمده، وجود ۲ بردار همجمعی در الگوی مورد نظر

پذیرفته می‌شود، زیرا کمیت آماره آزمون یعنی ۲۸ از مقدار بحرانی آن در سطح ۹۵ درصد کمتر است. بر اساس حداکثر مقدار ویژه نیز وجود ۲ بردار همگرایی تعادلی در میان متغیرهای مورد مطالعه تأیید می‌شود.

۵-۲. تخمین الگو در کوتاه‌مدت

رابطه کوتاه‌مدت الگو به روش خودرگرسیون با وقفه توزیعی برآورد و نتایج در جدول زیر ارائه شده است. لازم به ذکر است که در راستای برآورد بهتر رابطه اصلی با توجه به تعداد محدود مشاهدات، مقدار حداکثر (۱) وقفه برای متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی نرخ باروری و نرخ ثبت نام در مدرسه در نظر گرفته شده است.

جدول (۴). نتایج حاصل از تخمین کوتاه‌مدت الگوی $ARDL(1.0.1.0)$

نام متغیر	ضریب	انحراف معیاری	احتمال
LFE(-1)	-۰/۰۷۲	۰/۴۳۵	۰/۶۷۱
ED	۱۲۴/۱۹۰	۳/۳۷۶	۰/۰۰۶
FER	۱۲۹/۳۵۵	۳/۸۲۵	۰/۰۰۲
FER(-1)	-۱۴۴/۶۸۶	-۴/۱۳۷	۰/۰۰۱
PRIM	-۵۰۲/۵۴۱	-۲/۵۷۷	۰/۰۲۵
PRIM(-1)	-۸۶۳/۸۶۱	-۴/۱۲۸	۰/۰۰۱
IM	۰/۰۶۵	۲/۶۰۴	۰/۰۲۴
DW=۲/۵۵		R2= ۰/۹۶۳	

منبع: یافته‌های پژوهش

همان طور که از نتایج الگو مشخص است، ۹۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. متغیرهای تحصیلات و نرخ مهاجرت تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ مشارکت زنان سوریه در نیروی کار داشته‌اند. متغیر نرخ باروری با یک وقفه و متغیر ثبت نام در مدرسه تأثیر منفی و معناداری بر نرخ مشارکت زنان دارند. و این نتایج در کوتاه‌مدت کاملاً مطابق آنچه انتظار می‌رفت، به دست

آمده‌اند. در ادامه؛ جهت حصول اطمینان از صحت نتایج، از آزمون مربوط به فروض کلاسیک استفاده شده که نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول (۵) ارائه شده است.

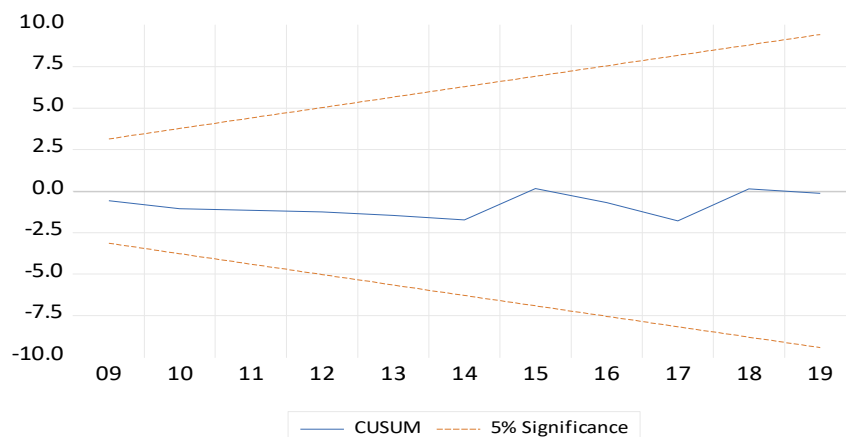
جدول (۵). نتایج حاصل از آماره‌های تشخیص

(۰.۱۳۰۳) ۰/۱۴۴	آزمون ناهمسانی واریانس
(۰/۲۸۳) ۰/۰۹۷	آزمون خودهمبستگی
۰/۱۳۱ (۰/۹۳۶)	آزمون نرمال بودن
(۰/۱۰۰۵)	آزمون رمزی ریست

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۵)، نشان می‌دهد که به علت بیشتر بودن عدد احتمال (داخل پرانتز) از سطح ۰/۰۵، دلیلی برای رد فرضیه‌های صفر وجود ندارد و هیچ یک از فروض کلاسیک (عدم همبستگی سریالی، توزیع نرمال جملات اخلاص، همسانی واریانس‌ها و تصحیح غلط فرم تابعی) توسط الگوی تخمین زده شده، نقض نمی‌شوند. پایداری ضرایب برآورد شده الگو نیز به کمک آزمون‌های پسماند تجمعی^۱ بررسی شده و نتایج آن را در نمودار (۱) قابل مشاهده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، نمودار پسماند تجمعی از کرانه‌های تعیین شده در سطح معناداری ۵٪ عبور نکرده و فرضیه صفر (یعنی تصریح صحیح معادله رگرسیون) رد نشده است. بنابراین، ضرایب برآورد شده در دوره مورد نظر دارای ثبات ساختاری بوده‌اند.

1. Cumulative Sum of Recursive Residuals (CUSUM)



نمودار (۱). آزمون پسماند

منبع: یافته‌های پژوهش

۵-۳. تخمین الگو در بلندمدت

پس از اطمینان از برقراری فروض کلاسیک و وجود رابطه کوتاه‌مدت و انجام آزمون پایداری ضرایب، جهت آزمون وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای الگو از آزمون کرانه توسط پسران و همکاران (۱۹۹۵) استفاده شده، و مقدار آماره F محاسباتی ۱۴.۴ به دست آمده که با توجه به بیشتر بودن آماره F محاسباتی از حد بالای ارزش بحرانی، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد شده است.

به منظور اطمینان بیشتر از وجود رابطه بلندمدت، قبل از بررسی رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای موجود در الگو، آزمون وجود همجمعی بلندمدت در بین متغیرهای موجود با استفاده از معادله زیر انجام شده است.

$$t = \frac{\sum_{i=1}^p \hat{a}_{t-1}}{\sum_{i=1}^p S_{\hat{a}_i}} \quad (2)$$

که در آن، p تعداد وقفه‌های متغیر وابسته، \hat{a} ضرایب برآوردی متغیرهای با وقفه از متغیر وابسته و $S_{\hat{a}_t}$ انحراف معیار این ضرایب برآوردی است (نوفروستی، ۱۳۷۸، صص ۹۱-۹۸). باتوجه به اینکه آماره محاسباتی t از نظر قدر مطلق برابر (۶.۴) و از مقدار

بحرانی بنرجی، دولادو و مستر (۴.۳) در سطح اطمینان ۹۹ درصد بیشتر است، لذا فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت پذیرفته نمی‌شود، و می‌توان نتیجه گرفت که میان متغیرهای الگو رابطه بلندمدت برقرار است. نتایج حاصل از تخمین بلندمدت به روش ARDL، در جدول (۹) گزارش شده است.

جدول (۶). نتایج حاصل از برآورد ضرایب بلندمدت الگو

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	احتمال
ED	۱۱۵/۷۴	۳/۰۴۳	۰/۰۱۱۲
FER	-۱۴/۲۸۸	-۴/۹۹۰	۰/۰۰۰۴
PRIM	-۱۲۷/۳۵	-۵/۵۵۶	۰/۰۰۰۲
IM	۰/۰۶۰۶	۲/۵۹۷	۰/۰۲۸۴

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج تخمین در جدول (۹)، متغیر تحصیلات و نرخ مهاجرت تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت اقتصادی زنان در کشور سوریه داشته و متغیرهای نرخ باروری و نرخ ثبت نام در مدرسه تأثیر منفی و معناداری بر نرخ مشارکت زنان دارند. با بالا رفتن سطح تحصیلات زنان، احتمال مشارکت آن‌ها در بازار کار افزایش می‌یابد لذا تمرکز دولت بر افزایش میزان تحصیلات زنان از طریق قوانین و افزایش مخارج دولت بر بخش آموزش بسیار مؤثر خواهد بود. این مساله با اکثر مطالعات صورت گرفته در این زمینه مطابقت دارد. همچنین با افزایش نرخ باروری، میزان مشارکت زنان در نیروی کار کاهش می‌یابد، این مساله نیز بر اساس مطالعات و روندهای تاریخی نشان‌گر حرکت مخالف نرخ باروری و مشارکت زنان در نیروی کار است (دل بوکا و همکاران، ۲۰۰۴). چرا که با افزایش نرخ باروری، زنان ناگزیر به صرف زمان بیشتر در خانه به منظور مراقبت از فرزندان شده و در نتیجه کاهش میزان مشارکت آن‌ها در بازار کار را در پی خواهد شد. به این معنا که ترجیحات زنان فرزند دار متفاوت می‌شود. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نرخ ثبت نام در مدرسه تأثیر منفی بر

نرخ مشارکت زنان در نیروی کار دارد، چرا که ورود آن‌ها به بازار کار را به تاخیر می‌اندازد. نتایج تحقیقات سازمان بین‌المللی کار بیان می‌کند که افزایش ثبت نام دختران در مدرسه یکی از دلایل پایین بودن نرخ مشارکت زنان در نیروی کار در کشورهای در حال توسعه است (ILO, 2018)، لذا این یافته‌ی پژوهش، با نتایج تحقیقات سازمان بین‌المللی کار مطابقت دارد. ضریب متغیر نرخ مهاجرت نیز نشان می‌دهد که با افزایش در نرخ مهاجرت که بیشتر در میان مردان اتفاق افتاده، نرخ مشارکت زنان در نیروی کار افزایش می‌یابد.

۶. نتیجه‌گیری و توصیه‌سیاستی

در این مقاله به بررسی اثر متغیرهای تحصیلات، نرخ باروری، نرخ ثبت نام در مدرسه و نرخ مهاجرت بر نرخ مشارکت اقتصادی زنان در نیروی کار کشور سوریه با توجه به شرایط خاص این کشور پرداخته شده است. زنان در کشور سوریه مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه همچنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی سهمی اندک دارند. اما با توجه به وقوع جنگ و نیاز فوری کشور سوریه به نیروی انسانی به منظور کمک به تداوم تولید و بازسازی کشور و با توجه به کمبود شدید نیروی کار مرد (به دلیل مهاجرت و نرخ بالای مرگ و میر در بین مردان به دلیل شرکت در عملیات نظامی)، بررسی چگونگی مشارکت نیروی انسانی زنان به صورت سازمان یافته در فعالیت‌های اقتصادی، امری حائز اهمیت است.

بدین منظور در این تحقیق، ابتدا برای بررسی پایایی متغیرهای تحقیق از آزمون دیکی‌فولر تعمیم یافته استفاده شد که نتایج این آزمون نشان داد متغیرهای نرخ مهاجرت و نرخ باروری در سطح پایا هستند و متغیرهای دیگر شامل؛ نرخ مشارکت زنان در نیروی کار، تحصیلات، نرخ ثبت نام در مدرسه با یک بار تفاضل‌گیری پایا هستند.

بعد از بررسی پایایی متغیرها، با استفاده از روش ARDL و نرم افزار Eviwes الگوی

تحقیق برآورد شد و نتایج آن در بلندمدت و کوتاهمدت ارائه گردید. یافته‌های تخمین الگو بیانگر آن است که در کوتاهمدت و بلندمدت متغیرهای تحصیلات و نرخ مهاجرت با نرخ مشارکت زنان در نیروی کار رابطه مثبت و معناداری دارند. اما رابطه نرخ باروری و نرخ ثبت نام در مدرسه با نرخ مشارکت زنان در نیروی کار منفی و معنادار است.

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان موارد زیر را پیشنهاد کرد:

با توجه به تأثیر بالای تحصیلات دانشگاهی بر نرخ مشارکت زنان در کشور سوریه، دولت باید به اهمیت آموزش دانشگاهی دختران توجه کند، و این امر از طریق اعمال تسهیلات لازم برای ایجاد انگیزه در جامعه برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی زنان از طریق تأسیس پردیس‌های دانشگاهی و تدوین قوانینی برای محدود کردن ترک تحصیل، علاوه بر ارائه مهارت‌ها و آموزش‌های مناسب به منظور بهره‌وری از این ظرفیت انسانی محقق شود. از طرف دیگر با توجه به اثر منفی نرخ باروری بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار، دولت باید مخارج ایجاد مهدکودک‌ها و زیر ساخت‌های مناسب به منظور تسهیل مشارکت زنان بچه‌دار در نیروی کار و کاهش اثرات منفی نرخ باروری بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار را فراهم سازد. همچنین با توجه به اثر مثبت نرخ مهاجرت بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار، مساله تبعیض جنسیتی در نیروی کار ظاهر می‌شود که لازم است دولت برای کاهش تبعیض جنسیتی در بازار کار قوانینی اعمال کند.

در مرحله بازسازی کشور سوریه، باید بر اتخاذ سیاست‌هایی به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای زنان و نیازهای ویژه آن‌ها به دلیل افزایش بار (ناشی از شرایط جنگ) بر دوش این گروه تمرکز حاصل شود.

بازسازی و توسعه کشور بعد از وقوع جنگ به دولت این امکان را می‌دهد تا از این فرصت برای خلق هنجارها، قوانین و نهادهای جدید استفاده کند. بنابراین پس از جنگ باید به زنان حق آموزش و تحصیل و برابری جنسیتی برای مشارکت در امور اقتصادی تسهیل شود، تا بتوانند در بازسازی‌های پس از جنگ کشور مؤثر باشند.

منابع:

- Adelman, I. & Taylor, J. E. (1990). Is Structural Adjustment with a Human Face Possible? The Case of Mexico. *Journal of Development Studies*, 8(32), 387-407.
- Alaedini, P. & Razavi, M. (2004). Women's Participation and Employment in Iran: A Critical Examination. *Refah*, 3(12), 131-156 (In Persian).
- AL-Imran, R., & AL-Imran, S. (2014). The impact of Government Spending on Education; Registration Rate in Different Educational Levels. *Journal of Educational Planning Studies*, 3 (6), 11-29 (In Persian).
- Aligholi, M. (2016). The Relationship between Women's Labor Force and Economic Development in Islamic Countries. *Women's Social Psychological Studies*, 14(2), 63-86 (In Persian).
- Arabmazar, A., Alipour, M.S., & ZareNiakouki, Y. (2014). Analysis of socio-economic factors affecting women's employment in Iran. *Economics and Modelling*, 5(17-18), 75-91 (In Persian).
- Amini, A. (2015). Analysis of labor market and employment creation policies of Iran's economy with emphasis on the Fourth Economic, Social and Cultural Development Plan. *Economic Magazine*, 5(6), 23-40 (In Persian).
- Asadzadeh, A., Mirani, N., Ghazi Khani, F., Esmail Darjani, N., & Honardoust, A. (2017). Investigating the role of employment and education of women on economic growth in Iran: Gravitational search algorithm and Firefly algorithm approach. *Women in Development & Politics*, 15(3), 359-381 (In Persian).
- Ayham, A. (2019). Labor market imbalances in the Syrian economy and the policies to correct them. Damascus Center for Research and Studies (In Arabic).
- Brisco, G. & Wilson, R. (1992). Forecasting Economic Activity Rates. *International Journal of Forecasting*, 9(12), 8-18.
- Central Bureau of Statistics, Syria <http://cbssyr.sy/>
- Del Boca, D., Pasqua, S. & Pronzato, C. (2004). Why are Fertility and Women's Employment Rates so Low in Italy? Lessons from France and the U.K. Discussion Paper NO.1274.
- Farjadi, G.A. (1999). Studies on the Preparation of the Third Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran (In Persian).
- Food and Agriculture Organization of the United Nations. (2017). Counting the cost Agriculture in Syria after six years of crisis.
- Guli, V.M.E., & Geda, N.R. (2021). Women's Participation in Labor Force in Sub-Saharan Africa (SSA): A Review of Determinants and Impacts. *Archives of Current Research International*, 1-13.
- ILO. (2018), World Employment and Social Outlook: Trends for Women

2018 – Global snapshot.

- Kavand, H, Avazalipour, M. S, Zandi, F. & Damankeshideh, M. (2014). The Role of Gender in Economic Participation and the Key Women Employment Factors: A Case of Iran. *Economic Policy*, 3(6), 189-213 (In Persian).
- Kashafirs, H.G.K, Behrooz, G.K. & Sarani, Z. (2014). Participation of Married Women in the Iranian Labor Market: Nonlinear Modeling of the Logit Function. *Journal of Economic Modeling*, 27(3), 134-115 (In Persian).
- Klasen, S., Pieters, J., Silva, S.M. & Ngoc Tu, L.T. (2019). What Drives Female Labor Force Participation? Comparable Micro-Level Evidence from Eight Developing and Emerging Economies. IZA DP No. 12067.
- Komai, R. & Afshari, Z. (2017). Factors Determining Women's Participation in the Labor Force in Selected Countries (Panel Analysis). *Quarterly Journal of Women's Socio-Psychological Studies*, 15(1), 41-72 (In Persian).
- Kreibaum, M. & Klasen, S. (2015). Missing Men: Differential Effects of War and Socialism on Female Labor Force Participation in Vietnam. No. 181, Georg-August-Universität Göttingen, Courant Research Centre - Poverty, Equity and Growth (CRC-PEG), Göttingen
- Moshiri, S., Taai, H. & Pashazadeh, H. (2015). Factors affecting the labor force participation rate in the Iranian labor market. *Economic research (sustainable growth and development)*, 15(2), 49-72 (In Persian).
- Nofaresti, M. (1999). *Unit root and Cointegration in econometrics*. Rasa Cultural Services. Tehran, Second Edition (In Persian).
- Noghani, A.V. & Ghasemi, M. (2019). Survey of Consequences of Men's Migration on Situation of Left-behind Women in Rural Areas (Case Study: Mashhad County). *Women in Development and Politics*, 17(3), 10-21 (In Persian).
- Pesaran, M.H., & Shin, Y. (1995). An Autoregressive Distributed lag modelling approach to counteraction analysis. Cambridge Working Papers in Economics NO. 9514, 1-24.
- Rami, G. (2018). Trends and Factors Affecting to female Labor Force Participation Rate in India. *Veer Narmada South Gujarat University*, 5 (11), 903-910.
- Safakish, M. & Fallah M.Z. (2016). A Study of Women's Economic Non-Participation in the Iranian Labor Market. *Iranian Journal of Official Statistics*. 7(1), 103-119 (In Persian).
- Safaeipour, M. & Zadoli, K.S. (2016). An Analysis of Barriers to Women's Economic Participation in Iran (Case Study: Tabriz). *Journal of Economic Sociology and Development*, 5(1), 63-85 (In Persian).
- Sprague, A. (1998). Post War Fertility and Female Labor Force Participation Rates. *Economic Journal*, 98(392), 682-700.
- Swain. R.W. (2008), Economic and Non-Economic Factor What

Empowers Woman. Working Paper, UPPSALA University.

- Verick, S. (2014) Female Labor Force Participation in Developing Countries. *IZA World of labor*, 87 (6), 1-10.

Investigating the Factors Affecting Women's Participation in Labor Market: A Case Study of Syria

Nariman Ezghayer*
Vida Varahrami (Ph.D)**

Received:
08/01/2022

Accepted:
27/04/2022

Abstract:

Since Women are the foundation of economic development in any society, nowadays the world is more focused on their role in economic activity. Therefore, considering women as an active and constructive sector will certainly have a great impact on the development and increase of human resources in that society in terms of quality and quantity. The participation rate of women in Syria, like many countries in the Middle East, is lower than developed countries and even some developing countries. In this study, the effects of education, fertility rate, school enrollment rate, and migration rate on the rate of female labor force participation in the Syrian economy during the period 2000-2019 have been studied by using the auto-regressive distributed lag model. The results indicate that the variables of education and migration rate (where men make up most of the migrants) have a positive and significant effect on women's economic participation rate. However, fertility rate and school enrollment rate have a negative effect on Syrian women's economic participation.

Keywords: *Employment, Women Participation Rate, Labor Force, Auto-regressive Distributed Lag Model.*

JEL Classification: *E24, J01, J11, J82.*

* Ph.D Candidate in Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Email: naremanezghyir@sbu.ac.ir

** Associate Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran, Email: v_varahrami@sbu.ac.ir